



## بانویی که با ولادتش فصلی از کتاب رسالت تکمیل شد

فاطمه زهرا (س)، نمونه زنی است که خدا می‌خواهد و پاره‌ای است از اسلام مجسم در وجود محمد (ص) و زندگی‌اش برای زن مسلمان و انسان مؤمن در هر زمان و مکانی به منزله الگویی چهره می‌نماید.

فاطمه زهرا (س)، نمونه زنی است که خدا می‌خواهد و پاره‌ای است از اسلام مجسم در وجود محمد (ص) و زندگی‌اش برای زن مسلمان و انسان مؤمن در هر زمان و مکانی به منزله الگویی چهره می‌نماید.

آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از مقدمه امام موسی صدر بر کتاب فاطمة الزهرا(س) وتر فی غمد، نوشته سلیمان کتانی است که در آن به بررسی شخصیت حضرت فاطمه(س) پرداخته شده است. متن کامل این مقدمه در کتاب «نای و نی» توسط انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر به چاپ رسیده است.

فاطمه زهرا (س)

«خداوند از خشم فاطمه خشمگین و به سبب خشنودی او خشنود می‌شود،» «فاطمه پاره تن من است، هرکس او را بیازارد مرا آزرده، آن‌کس که با او دوستی ورزد با من دوستی ورزیده است،» «فاطمه قلب و روح من است،» «فاطمه بانوی زنان دو جهان است.» ...

این شهادت‌ها و نظایر آن در کتاب‌های حدیث و سیره به تواتر از پیامبرص نقل شده است؛ پیامبری که از روی هوی سخن نمی‌گوید و تحت تأثیر روابط نسبی و سببی قرار نمی‌گیرد و در راه خدا از سرزنش نکوهش‌گران باکی ندارد. این گفتارها از پیامبر اسلام است که در دعوت خود ذوب شده و برای مردم به مثابه الگو و نمونه‌ای درآمده است. تپش‌های قلب او و نگاه‌هایش و دست سودن و گام‌های تلاشش و پرتوهای اندیشه‌اش، قول، فعل و تقریر او، تماماً بیانگر تعالیم دینی و احکام خدا و چراغ‌های هدایت و راه‌های نجات است. این‌ها نشان‌های افتخار از جانب رسول‌خداص بر سینه فاطمه زهراص است که به مرور زمان و با تکامل جوامع درخشنده‌تری پیدا می‌کند، به‌خصوص هرگاه به این اصل اساسی در اسلام توجه کنیم که در این سخن پیامبر به فاطمه جلوه کرده است که فرمود: «ای فاطمه برای آخرت خود بکوش که من نمی‌توانم در پیشگاه خداوند برای تو کاری بکنم.»

به‌راستی شناخت فاطمه س بخشی از کتاب رسالت الهی است و پژوهش و تحقیق در حیات حضرتش به‌مثابه تلاشی برای فهم اسلام و ذخیره‌ای ارزشمند برای انسان معاصر است.

مختصری درباره او

حضرت فاطمه در سال پنجم بعثت یعنی هشت سال پیش از هجرت، متولد شد. وی آخرین زاده حضرت خدیجه است. در مکه و در خانه وحی و جهاد و در جو صبر و پایداری به دنیا آمد. سختی را تحمل کرد و در فضایی آکنده از عواطف صادقانه و عشق پاک میان پیامبر رحمت و حضرت خدیجه بزرگ شد. پیامبر هیچ‌گاه عواطف و اخلاص حضرت خدیجه را در طول حیاتش فراموش نکرد.

فاطمه س، پس از پیامبر ص، همراه اهل‌بیت و به سرپرستی حضرت علی ع از مکه به مدینه هجرت کرد و همه در منزل قبا، نزدیک مدینه، به کاروان هجرت پیوستند.

فاطمه س در سال دوم هجری با حضرت علی ع، که ۲۳ سال داشت، ازدواج کرد. حضرت فاطمه در آن هنگام ده سال داشت. این تاریخ در روایات اهل‌بیت مشهور است و به سیره نیز نزدیک‌تر، یعنی به استحباب سرعت در ازدواج دختران. براساس این نقل، سن حضرت زهرا ده سال است. نقل دوم از ابن‌عباس است. او می‌گوید ولادت حضرت زهرا پنج سال پیش از بعثت است و ازدواج او در بیست‌سالگی است. این مسئله اصل مشهوری نزد فقهاست. پیامبر تأکید کرد که انتخاب حضرت علی از میان خواستگاران بسیار حضرت فاطمه، با توصیه‌ای از عالم غیب و رضایت ندادن فاطمه به غیر علی بوده، با آنکه زنان مدینه بسیار تلاش کردند تا فاطمه را از ازدواج با علی ع، به بهانه فقر آن حضرت و توجه او به جهاد در راه خدا و سختی زندگی‌اش، منصرف کنند.

فاطمه س هشت سال با علی ع زندگی کرد. زندگی خوب این دو زبازد همگان شد و به صورت نمونه‌ای اعلا درآمد. فاطمه س حسن و حسین و زینب و ام‌کلثوم و محسن را - که در وقایع دردناک پس از وفات پیامبر ص سقط شد - برای علی ع به دنیا آورد. فاطمه س فقط چند ماه پس از رحلت پدرش زیست و سپس، بنا به وصیتش در محلی مجهول به خاک سپرده شد. مراسم دفن و تشییع پیکر پاک او نیز بنا بر وصیتش دور از چشم مردم و در تاریکی شب صورت پذیرفت.

برخی از قرائن تاریخی و احادیث نقل شده، دلالت می‌کنند که قبر آن حضرت در یکی از این سه مکان است: بقیع، یا در خانه‌اش که اکنون دقیقاً در کنار مرقد پیامبر ص واقع شده، یا در روضه شریفه که میان محراب و مرقد پیامبر ص قرار دارد و امروزه با ستون‌های ویژه‌ای مشخص است.

مجموع عمر آن حضرت هجده سال و چند ماه بود. اما عمر کوتاه وی نمونه کامل و شاملی بود از زندگی زن کامل، آن‌چنان‌که خداوند می‌خواهد و دین برای پدید آوردن چنین زندگی‌ای تلاش می‌کند. تعالیم دینی به نمونه‌های بشری نیازمند است تا بتواند در قالب انسانی تجلی و تجسم یابد و اجرای کامل آن‌ها را تحقق‌پذیر گرداند، تا بدین وسیله دین را از شکل فریضه‌ای ایدئال و ذهنی بیرون بیاورد و به دایرة واقعیت‌ها بکشاند و برای مردم جای هیچ عذر و بهانه‌ای باقی نگذارد.

زمانی که رسول خدا ص آهنگ مباحله با مسیحیان نجرانی کرد، به موجب آیه کریمه «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهَلْ فَتَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» پیامبر ص باید کسانی را بدین می‌دان همراه می‌آورد که مردان و زنان و فرزندان اسلام به‌شمار می‌آمدند. آن حضرت، علی و فاطمه و حسن و حسین را برگزید و بدین‌گونه ایمان خود به خدا و نمایندگی خاندان خود را به‌مثابه الگوهایی کامل از آئینش برای همگان آشکار ساخت.

اکنون بجاست که پس از این مرور کوتاه بر زندگی فاطمه زهرا س درباره این نمونه راستین زن مسلمان، بررسی کوتاهی بکنیم.

\* ام‌ابی‌ها

فاطمه جوان می‌خواهد در جهاد پدرش شرکت جوید. از این‌رو، مخلصانه درصدد برمی‌آید تا کمبود عاطفی پدر را که از دست دادن پدر و مادرش در دوران کودکی موجب آن شده بود، پُر کند؛ کمبودی که پیامبر ص را می‌آزرد و بر دل نازک و مشتاق محبت و شیفته عاطفه او پدیدار می‌گردید. پیامبر ص برای تحقق رسالت سنگین خویش و نیز در رویارویی با محیط پرشقاوت خود، به مهربانی‌ها و ملامت‌های مادرانه بسیار نیاز داشت. آن حضرت این همه را در وجود فاطمه س پیدا می‌کرد. در تاریخ تنها نشان اندکی از این حالت‌های مادرانه فاطمه ثبت شده است.

اما همین چند مورد اندک به‌خوبی بیانگر موفقیت حضرت فاطمه بود که توانست پدر خود محمد ص را از جنبه عاطفی غنی سازد و بدون شک او را برای به دوش کشیدن بار بزرگ رسالت خویش یاری کرد. تاریخ این مواضع را وقتی تأکید می‌کند که می‌بینیم مکرراً از قول پیامبر ص نقل می‌شود که «فاطمه س مادر من است.» نیز می‌بینیم پیامبر با او چنان رفتاری دارد که گویا با مادرش رفتار می‌کند. بر دستان او بوسه می‌زند و وقتی از سفری به مدینه بازمی‌گردد، نخست به دیدار او می‌شتابد و هنگام عزیمت به جنگ‌ها و مسافرت‌ها با او وداع می‌گوید و گویی از این چشمه بی‌زوال، عاطفه‌ای بی‌کران برای سفر خود برمی‌دارد.

از سوی دیگر، درمی‌یابیم که احساس پدری در پیامبر در پیوندهایش با فاطمه تجسم می‌یابد. وقتی به مردم فرمان داده می‌شود که پیامبر ص را با لقب «رسول‌الله» خطاب کنند و فاطمه س از این فرمان تبعیت می‌کند، آن حضرت وی را از این کار بازمی‌دارد و به دختر خود می‌گوید که وی را مانند گذشته با لفظ «پدر» خطاب کند. همچنین، در تاریخ زندگی پیامبر اکرم ص می‌خوانیم که آن حضرت به هنگام برخورد با خستگی و اندوه‌های بزرگ، بسیار به نزد فاطمه س می‌رفت. وقتی در جنگ‌ها زخم برمی‌داشت، یا هنگام گرسنگی و فقر و یا هنگامی که مهمانی بر او وارد می‌شد، تنها به خانه فاطمه می‌رفت. از یک سو، فاطمه س مانند مادری مهربان به او ملامت و رسیدگی می‌کرد، بر زخم‌هایش مرهم می‌نهاد و دردهایش را سبک می‌کرد و از سوی دیگر، همچون دختری کمر به خدمت و اطاعت از پدر می‌بست و احتیاجات او را رفع می‌کرد. بدین‌گونه، نقش بسیار برجسته و عظیم فاطمه س در زندگی رسول خدا ص را درمی‌یابیم.

\* همسر علی (ع)

حضرت علی ع می‌فرماید: «نزد رسول خدا ص رفتیم. آن حضرت وقتی مرا دید خندید و فرمود: «ای ابوالحسن چه شده؟» خویشاوندیم را با آن حضرت و سابقه خود را در اسلام بیان کردم و از یاور‌ها و جهادهایم با آن حضرت سخن گفتم. فرمود: «علی راست می‌گویی، بلکه تو بهتر از آنی که خود گفتی.» سپس عرض کردم: «ای رسول خدا، فاطمه را همسر من قرار می‌دهی؟»

فرمود: «پیش از تو کسان دیگری نیز چنین درخواستی کرده بودند و من خواسته آنان را با فاطمه در میان گذاشته‌ام، اما در چهره او آثار نارضایتی مشاهده کردم. لختی درنگ کن تا بازگردم.»

پیامبر ص به نزد فاطمه س رفت. فاطمه س برپای ایستاد و ردای پیامبر ص را برگرفت، نعلین از پای آن حضرت به‌درآورد، و برای وضو آب آورد و به‌دست خود پیامبر ص را وضو داد و دو پای آن حضرت را شست و آن‌گاه نشست. پیامبر ص به او فرمود: «فاطمه» پاسخ داد: «بلی... بلی ای رسول‌خدا ص، کاری دارید؟» فرمود: «علی ع پسر ابوطالب کسی است که به مراتب خویشتاوندی و فضل و اسلام او به نیکی آگاهی. من از پروردگارم درخواست‌ام که تو را به همسری بهترین و محبوب‌ترین مخلوقش درآورد. اینک ازدواج با تو را پیشنهاد داده است. تو خود در این‌باره چه نظری داری؟» فاطمه س خاموش ماند، ولی رویش را برنگرداند. رسول‌خدا ص نیز در چهره او آثار ناخشنودی مشاهده نکرد. پس آن حضرت برخاست در حالی که می‌فرمود: «الله اکبر، سکوت او نشانه قبول این پیشنهاد است.»

سپس جبرئیل به نزد محمد ص آمد و گفت: «ای محمد، او را به همسری علی بن ابیطالب درآور که خدا او را برای علی و علی را برای او پسندیده است.»

سپس پیامبر ص فاطمه را به همسری به من داد. پیش من آمد و دستم را گرفت و فرمود: «به نام خدا برخیز و بر برکت خدا بگو: ماشاءالله، لاحول و لا قوة الا بالله و توکلت علی الله.» سپس دستم را گرفت و در کنار خود نشاند و آن‌گاه فرمود: «بارخدا، این دو محبوب‌ترین مخلوقات تو در نزد من هستند. پس تو هم این دو را دوست بدار و در نسل آنان برکت قرار ده و از جانب خود نگاهبانی بر آنان بگمار. این دو و فرزندانشان را از شر شیطان مصون بدار.»

مراسم ازدواج به همین سادگی پایان پذیرفت. علی ع زره خود را مهریه فاطمه س قرار داد و بهای آن را صرف خرید اسباب و اثاثیه منزل کرد. وی عطر، یک پیراهن به هفت درهم، یک مقنعه به چهار درهم، یک تن‌پوش بلند سیاه خیبری، تختی بافته‌شده از برگ‌های درخت خرما، دو بستر از کتان مصری که می‌ان یکی از آن‌ها با برگ خرما و دیگری با پشم گوسفند پُر شده بود، پرده‌ای پشمین، یک حصیر، یک دستاس، ظرفی مسین، مشک از پوست، کاسه‌ای چوبین برای شیر و پاشیدن آب، یک ابریق، یک سبوی سبز و دو کوزه گلی تهیه و خریداری کرد.

بدین ترتیب، کار خرید جهیزیه و پرداخت مهریه به انجام رسید. فاطمه س به خانه علی ع که فقط یک اتاق داشت و متعلق به ام‌سلمه همسر پیامبر بود، نقل مکان کرد. علی بر بلندی‌ای برآمد و فریاد زد: به میهمانی فاطمه بشتابید. مردم همه به مجلس جشن ازدواج آن دو حاضر شدند و در شادی اهل بیت شرکت جستند.

فاطمه س زندگی تازه خود را در خانه علی ع آغاز کرد. کارهای داخل خانه را رتق وفتق می‌کرد. گندم‌ها را آسیاب می‌کرد و از آن‌ها خمیر می‌ساخت و سپس نان می‌پخت. علی ع نیز در کارهای منزل او را یاری می‌کرد. گاهی خانه را جارو می‌کرد و شیر می‌دوشید و هیزم جمع می‌کرد و از چاه آب می‌کشید.

رسول‌خدا ص روزی میان آنان به داوری نشست و کارهای خانه را بین آن دو تقسیم کرد. مسئولیت کارهای بیرون از خانه را به علی ع سپرد و کارهای داخل خانه را بر عهده فاطمه س گذاشت.

چندی بعد فاطمه س صاحب فرزندی شد. خود به تربیت و پرورش آنان همت گماشت و به کارهای آنان رسیدگی کرد. تا هنگامی رسید که انجام دادن این همه کار، به‌تنهایی، برای مراعات فقر و کرامت علی ع، سنگین می‌نمود. بنابه خواست شوهرش به خدمت رسول‌خدا ص رسید و از او خواست تا خدمتکاری برای کمک به آنان استخدام کند. اما پیامبر از پذیرش این خواسته عذر خواست و تنگدستی مردم و کثرت اصحاب صغه را، کسانی که نه سرپناه داشتند و نه غذای کافی، به یاد وی آورد. پس از گذشت مدتی، با بهتر شدن وضع مسلمانان، پیامبر ص خواسته دخترش را اجابت کرد و خدمتکاری برای او فرستاد. کارهای خانه میان فاطمه س و خدمتکار، بدون هیچ تبعیضی، تقسیم شد. یک روز فاطمه س به امور خانه می‌پرداخت و روز دیگر خدمتکار.

و سرانجام فاطمه با عبارتی پوزش‌خواهانه، که در واپسین دم حیات علی ع را با آن خطاب کرده بود، زندگی کوتاه خود را به پایان رسانید. او به علی ع گفت: «ای پسر عمو، تو مرا نه دروغگو یافتی و نه خیانت‌کار، و از هنگامی که به همسری تو درآمدم با تو به مخالفت برنخاستم.» آن‌گاه زمانی که شنید علی ع به او می‌گوید: «پناه بر خدا، تو به خداوند داناتر بودی، نیکوکارتر و پرهیزگارتر و بزرگوarter بودی و بیشتر از خداوند پروا داشتی. مرا چه رسد که تو را به سبب مخالفت با خود مورد توبیخ و سرزنش قرار دهم. به‌راستی دوری از تو بر من چقدر گران است.» با آرامش خاطر جان‌به‌جان آفرین تسلیم کرد.

این سخنانی که آن‌ها را به اختصار نقل کردم، مرا از بحث درباره زندگی خصوصی و خانوادگی آن حضرت بی‌نیاز می‌کند.

## \* فاطمه(س) در راه دانش‌اندوزی

فاطمه‌س به دانش و علوم فراوانی که در خانه وحی از هر سو او را فراگرفته بود بسنده نکرد، و هرگز به نوری که خورشیدهای علم و معرفت پیرامون او فراهم آورده بودند، اکتفا نکرد، زیرا فاطمه‌س می‌خواست در راه کسب دانش تلاش کند، و در راه کسب این شرافت از هیچ کوششی کوتاهی نرزد. از همین رو، می‌بینیم او در دیدارهایش با رسول‌خداص و علی‌ع، باب مدینه‌العلم، می‌کوشد تا علوم و معارف را به هر وسیله و از طرق گوناگون در کمند خود درآورد.

یکی از زیباترین راه‌ها آن بود که حستین را از دوران کودکی همواره به محضر رسول‌خداص می‌فرستاد و پس از بازگشت آن دو از آنچه در محضر رسول‌خداص رخ داده بود، از جمله سؤال و جواب‌ها و یا وحی، پرسش می‌کرد. بدین طریق برای رشد و اعتلای مستمر معرفت و دانش خود می‌کوشید. ضمناً فرزندانش را برای فراگیری کامل معارف و علوم تا جایی که بتوانند مطلبی را که می‌شنوند نقل کنند، تربیت و تشویق می‌کرد. این تلاش پیوسته در راه کسب معرفت و دانش‌اندوزی بود که علی‌رغم اوقات بسیاری که فاطمه‌س برای ادای وظایف خانه و ایفای مسئولیت‌های مادری و همسری‌اش در خانه می‌گذراند، او را در شمار راویان بزرگ حدیث و حاملان سنت مطهر رسول‌الله جای داد. نزد فرزندان فاطمه‌س، یعنی ائمه معصوم، کتابی عظیم بود که آن را مصحف فاطمه‌س نام نهاده‌اند و آنان با کمال سربلندی از این کتاب، بسیار حدیث نقل کرده‌اند.

## \* جهاد پیگیر

در خلال سطور این مقدمه، به روشنی نمونه‌هایی می‌بیند از جهاد همیشگی آن حضرت در خانه پدر و همسرش. نیز مواضع سلبی و ایجابی او در برابر حوادث زمان، و حتی در وصیتش مبنی بر آنکه وی را سریعاً دفن کنند و قبر او را از چشم مخالفان پنهان نگه دارند که نشانگر اعتراض او به وضع عمومی آن روز جامعه‌اش بود.

علاوه بر این‌ها، فاطمه‌س در جنگ‌هایی که مسلمانان برای دفاع از عقیده و صیانت از کرامت و آزادی‌شان می‌کردند، پیشاپیش سایر زنان، به کمک مجاهدان مسلمان می‌شتافت و نقش خود را ایفا می‌کرد؛ نقشی که در آن عصر نیز زنان مجاهد عهده‌دار آن بودند، مثل مداوای زخم‌ها و شستن لباس‌ها و پرستاری از مجروحان جنگی و آماده کردن کلیه وسایل زندگی در اوضاع و احوال جنگ.

اما فاطمه‌س نقش برجسته و دشواری در حمایت از حق و دفاع از وصیت رسول‌خداص نیز داشت. او ملاقات‌ها و گفت‌وگوهای محرمانه‌ای با اصحاب رسول‌خداص ترتیب می‌داد و آنان را به ایستادگی در کنار علی‌ع تشویق می‌کرد. خود به‌گونه‌ای بی‌مانند و استوار، بنابر نقل مورخان، در سخت‌ترین لحظات زندگی علی‌ع، در کنار آن حضرت استقامت می‌ورزید و نشان می‌داد که جبهه داخلی در زندگی علی‌ع استوار و بدون ضعف و خلل است. اما موضع‌گیری را به شوهر و رهبرش یعنی امام علی‌ع وامی‌گذاشت تا آن حضرت تصمیم بگیرد و موضعی اتخاذ کند و فاطمه‌س هم از آن پیروی می‌کرد. فاطمه‌س هر صبح شبه بر مزار شهدا و مزار حمزه حاضر می‌شد و برای آنان از خداوند آمرزش می‌طلبید.

این عمل، که آغازگر کارهای هفتگی او بود، به‌خوبی از نهایت احترام فاطمه‌س و قدردانی او از امر مقدس جهاد و شهادت پرده برمی‌دارد و به‌وضوح سیره عملی آن حضرت را نشان می‌دهد؛ سیره‌ای که با جهاد آغاز شد و بر جهاد و فداکاری تا مرحله شهادت استوار بود.

## \* فاطمه(س) در محراب عبادت

امام حسن‌ع می‌فرماید: «مادرم فاطمه را دیدم که شب جمعه در محرابش به عبادت ایستاده بود. او پیوسته در حال رکوع و سجود بود تا سپیدی صبح پدیدار گشت. می‌شنیدم که برای مردان و زنان مؤمن با ذکر نامشان دعا می‌کرد، اما برای خود دعایی نمی‌کرد و از خداوند برای خود چیزی نمی‌خواست.»

در سیره آن حضرت آمده است که وی ساعت آخر روز جمعه را به دعا اختصاص داده بود و در آخرین دهه ماه مبارک رمضان شب‌ها بیدار می‌ماند و خانواده‌اش را تشویق می‌کرد تا شب را با عبادت و دعا به صبح رسانند. آن حضرت گاهی از ورم پاهایش رنج می‌برد، زیرا بسیار به نماز می‌ایستاد و به شب‌زنده‌داری می‌پرداخت. به‌راستی آیا فاطمه‌س در تمام زندگی‌اش از محراب عبادت بیرون آمد؟ آیا حیات او جز سجود پیوسته در برابر پروردگارش بود؟ وی خدا را در خانه، با شوهرداری و تربیت فرزندان، عبادت می‌کرد، زیرا مسجد زن خانه‌اش است. در خدمات اجتماعی که ایفا می‌کرد از خدا فرمان می‌برد و با خدمت به خلق خدا، که عیال اویند، پروردگار را عبادت می‌کرد. همواره این نکته را در نظر داشت که محبوب‌ترین کس نزد خدا کسی است که از او به

عیال خداوند فایده بیشتری برسد.

او در همدردی با فقرا و درمندان و رنج کشیدگان، به همراه خانواده‌اش، خدای را می‌پرستید. در قرآن در سوره انسان آمده است: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا». او مصداق کسانی بود که «يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» و در نهایت بر قلب و زبان‌شان می‌گذشت که «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا». این‌ها تنها گوشه‌ای از زندگی و رکعتی از نماز آن حضرت بود.

\* کوثر

در سال دوم هجرت، ابراهیم، آخرین پسر رسول‌خداص، درگذشت. بدین لحاظ، برحسب منطق جاهلی، پیامبر بدون نسل باقی ماند. ملامتگران منافق بنای شماتت گذاشتند. از این بابت خوشحالی‌ها می‌کردند و با مرگ محمدص مرگ رسالت او را نیز انتظار می‌کشیدند، زیرا در نظر آنان رسالت وسیله و سلطنتی موروثی، و فرزند پسر ادامه شخصیت پدر و متضمن بقا و یادآور نام او بود. محمدص پسران خود را از دست داده و سن او نیز از پنجاه فراتر رفته بود. اما وحی الهی اشتباه و پوچی منطق مشرکان را نشان داد و اعلام کرد: «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوْثَرَ. فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ. إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.»

پس رسالت پابرجا و اسلام جاوید خواهد ماند و مجد و عظمت محمدص با مجد خداوند در می‌پیوندد و نام محمدص سراسر زمین را تا ابد فرا می‌گیرد. نسل او حافظان رسالت و نشانه‌های هدایت‌اند و دشمن ملامتگر منافق خود ابرتر است.

فاطمه‌س تبلور همین کوثر بود. نسل پیامبرص از او ادامه یافت و فرزندان‌ش همان ائمه معصوم و دومین ثقلین هستند که محمدص آنان را پس از وفاتش در میان امت اسلام برجای نهاد و فرمود که هرگز از آنان و نخستین ثقلین، قرآن، جدا نمی‌شوند. این نسل از قرآن نگاهبانی می‌کنند و در راه آن فداکاری‌های بزرگی از خود نشان می‌دهند.

ثقلین، کتاب و عترت، هردو ادامه وجود محمدص و رسالت او و وسیله‌ای برای حفظ سلامت حرکت امت در خط صواب و به‌دور از انحراف و گمراهی هستند. این شأن والای حضرت فاطمه است.

در جاهای گوناگون، از زبان پیامبر، نقل کرده‌اند که می‌فرمود: «نسل من از سلالة علی‌ع و فاطمه‌س است.» و نیز می‌فرمود: «حسن و حسین فرزندان من و هر دو پیشوای مسلمانان‌اند.» نیز می‌فرمود: «من در میان شما دو چیز گران‌بها برجای می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم، یعنی اهل بیتم. تا زمانی که به آن‌ها تمسک جویند هرگز گمراه نشوید. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر من وارد گردند.»

زینب دختر فاطمه‌س نیز نقش سرنوشت‌سازی در پیروزی نهضت حسین‌ع داشت. هدف نهضت حسین‌ع بازگرداندن روح اسلام در کالبد جامعه بود و نابودی ظلم و استبداد و انحراف که در آن زمان بر اسلام تسلط پیدا کرده بود و از اسلام چیزی جز نام باقی نگذاشته بود. مواضع زینب‌س و سخنرانی‌ها و شعارها و جهاد و علم او نمونه‌ای زنده از فاطمه‌س بود.

بدین‌گونه، با توجه به آنچه نقل کردیم و موارد دیگری که این مختصر گنجایش آن را ندارد، کوثر عظیمی را که خداوند به پیامبرش ارزانی داشت، به‌درستی درمی‌یابیم.

/